یادداشت

فروش برخط مسئولانه

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

بازار دیجیتال، مثل خیابان‌های شهری است که هر روز عریض‌تر می‌شود، جذاب، پرسرعت و پرهیاهو، اما هیچ خیابانی، اگر چراغ قرمز و خط عابر و قانون نداشته باشد، امن نمی‌ماند، هرچقدر هم که آسفالتش نو باشد. سال‌ها پیش وقتی اولین فروشگاه‌های برخط سر برآوردند، کمتر کسی تصور می‌کرد روزی «خرید اینترنتی» به بخشی از سبک زندگی میلیون‌ها خانواده تبدیل شود. امروز، همین سکوها و فروشگاه‌های برخط هستند که نیاز ما به خرید حضوری را به حداقل رسانده‌اند، از خرده‌ریزهای روزمره تا طلا و کالاهای سرمایه‌ای، اما رشد تجارت الکترونیک، اگرچه طبیعی و ضروری است، بدون تأمین امنیت و شفافیت، می‌تواند راه را برای سودجویی و آسیب به سرمایه مردم هموار کند. این گزاره به‌ویژه وقتی جدی‌تر می‌شود که پای دارایی‌هایی مانند طلا، ارز یا سرمایه‌گذاری‌های جدید به میان می‌آید؛ جایی که حتی یک لغزش کوچک می‌تواند به فریب گسترده ختم شود.

در سال‌های اخیر بسیاری از مردم، برای خرید امن‌تر، ترجیح داده‌اند پول‌شان را به سکوهای برخط ببرند. جذابیت قیمت لحظه‌ای، راحتی خرید، دسترسی شبانه‌روزی و حذف هزینه‌های سنتی، بخشی از این جذابیت است، اما آیا این راحتی همیشه مساوی با امنیت بوده است؟ ماجرا وقتی پیچیده می‌شود که بعضی از این کسب‌وکارها، تنها در ظاهر شفاف عمل می‌کنند، کیف‌پول کاربر عددی را نشان می‌دهد که پشتوانه‌اش در دنیای واقعی یا ناقص است یا اصلاً وجود ندارد. گاهی سرمایه کاربر به‌جای طلا یا ارز واقعی، به چرخ مالی سکویی تبدیل می‌شود که معلوم نیست کجا هزینه می‌شود. این همان نقطه خطر است: جایی که توسعه اقتصاد دیجیتال بدون توسعه زیرساخت‌های حقوقی و نظارتی، آسیب‌زاتر از رکود است.

بانک مرکزی و نهادهای ناظر نشان داده‌اند آماده‌اند این بخش را هم مثل بانکداری سنتی، چارچوب‌مند کنند. شرط و شروط تازه برای سکوهای برخط فروش طلا، فقط درباره چند درگاه پرداخت نیست، پیامش روشن است: مردم باید بدانند پول‌شان کجاست، دارایی‌شان پشت چه دیواری امن مانده و اگر حقی دارند، چطور آن را بدون دردسر پس بگیرند. این اصل اما فقط برای بازار طلا یا رمزارز صدق نمی‌کند، همه فروش‌های برخط، از کیف‌پول اعتباری فروشگاه‌های برخط گرفته تا سکوهای بزرگ تجارت الکترونیک، باید شفاف، امن و ردیابی‌پذیر باشند. توسعه اقتصاد دیجیتال بدون توسعه فرهنگ حقوقی و مقررات‌گذاری، مانند ساختن برج‌های شیشه‌ای بدون سازه فلزی است؛ در ظاهر زیبا، در باطن متزلزل. هر چه حجم معاملات برخط بیشتر می‌شود، وظیفه نهادهای ناظر و قانونگذار هم سنگین‌تر می‌شود. طبعاً این الزامات مانع رشد نیست، بلکه تضمین‌کننده بقای کسب‌وکارهاست. همان‌طور که فروشنده بازار سنتی طلا باید سند و فاکتور رسمی ارائه دهد، سکوی برخط هم باید در برابر هر گرم طلای فروخته‌شده، ذخیره واقعی داشته باشد.

بخش مهمی از این ماجرا به زیرساخت‌های فناوری هم برمی‌گردد. ثبت معاملات در سامانه‌های جامع، اتصال کیف‌پول به حساب بانکی واقعی، تسویه‌حساب سریع با مشتری و ارائه گزارش‌های دوره‌ای به نهادهای نظارتی، همان شفافیتی است که ریسک را از بازار دور می‌کند. اگر این اجزا فراهم نشود، اعتماد عمومی از دست می‌رود و همین بزرگ‌ترین تهدید برای اقتصاد دیجیتال است. مردم باید بدانند اگر در کیف‌پول برخط‌شان تخلفی شد یا سرمایه‌ای از دست رفت، باید به کجا شکایت کنند. همین خلأ قانونی، به فرصت برای سوءاستفاده‌گران تبدیل می‌شود. خبر خوب این است که گام‌های تازه بانک مرکزی نشان می‌دهد این خلأ به‌سرعت در حال پرشدن است. نکته مهم این است که شفافیت و امنیت هزینه دارد. سکوهایی که امروز به‌دنبال مجوز و تأییدیه امنیتی می‌روند، باید زیرساخت فنی قوی بسازند. ذخیره‌سازی واقعی طلا نزد بانک کارگشایی هزینه دارد، تسویه‌حساب سریع نقدینگی بالایی می‌طلبد، ثبت معاملات در سامانه جامع هم نیازمند زیرساخت نرم‌افزاری پیشرفته است.

راه‌حل دیگری وجود ندارد، توسعه اقتصاد دیجیتال یعنی توسعه همه‌جانبه؛ هم بسترهای فروش باید نو شوند، هم قوانین، هم نهاد ناظر باید مقتدر باشد، هم خود فعالان بازار باید مسئولیت‌پذیر باشند. اگر هر ضلع این مثلث سست باشد، اقتصاد برخط ضربه می‌بیند. در این میان نقش مردم هم مهم است. مشتری باید پیش از سپردن سرمایه‌اش، از مجوز سکو، اعتبار کیف‌پول، شرایط ذخیره‌سازی و روش‌های تسویه‌حساب آگاه باشد. فروش‌های برخط، چه در حوزه کالاهای خرد و چه در معاملات کلان سرمایه‌ای، امروز به بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد تبدیل شده است. نمی‌توان در را بر این مسیر بست یا از مردم خواست به گذشته بازگردند و دوباره صف بکشند. کاری که باید کرد، ایجاد خیابان‌های مطمئن، چراغ‌های سبز و قرمز روشن و تابلوهایی واضح است؛ جاده‌ای که هموار باشد اما بی‌صاحب نباشد. همه ما در نقش شهروند این شهر دیجیتال مسئولیم؛ فروشنده باید درست بفروشد، ناظر باید هوشیار باشد و خریدار باید بداند چه می‌خرد.

اقتصاد دیجیتال ایران تازه در ابتدای راه است. اگر بخواهیم تجارت الکترونیک را به بلوغ برسانیم، باید الزاماتش را جدی بگیریم. بدون امنیت اقتصادی، سرعت بالا تنها ما را زودتر به خطر می‌رساند. دنیای برخط، اگر ضابطه‌مند باشد، نه‌تنها تهدید نیست بلکه بهترین فرصت برای عدالت اقتصادی است، جایی که خریدار از شهر دورافتاده به‌اندازه پایتخت‌نشین دسترسی به کالا و خدمات باکیفیت دارد، قیمت‌ها واقعی‌تر می‌شود و واسطه‌گری پرهزینه کمرنگ می‌شود، اما شرطش فقط یک چیز است: امنیت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری. اقتصاد برخط، خیابانی پررفت‌وآمد است، قانون، خط‌کشی‌هایش را روشن می‌کند، پلیس تخلف را متوقف می‌کند و شهروندان از آن لذت می‌برند. حالا وقت آن است که این خیابان را هر روز امن‌تر کنیم.

با همه آنچه گفته شد، یک پرسش اساسی هنوز پابرجاست: آیا این همه مقررات و الزامات تازه، سرعت رشد اقتصاد دیجیتال را کند نمی‌کند؟ پاسخ ساده این است که بله، شاید در کوتاه‌مدت روند توسعه کمی کند شود، اما در بلندمدت این کندی، بهایی است که برای دوام و اعتماد عمومی می‌پردازیم. اگر امروز سکوهای فروش طلا مکلف شده‌اند طلای واقعی ذخیره کنند و تراکنش‌های‌شان در سامانه جامع تجارت ثبت شود، فردا شاید این الزام برای فروشگاه‌های بزرگ و حتی کیف‌پول‌های اعتباری معمولی هم مطرح شود. یک نکته دیگر هم نباید مغفول بماند: این ضوابط جدید، رقابت سالم را به بازار بازمی‌گرداند. وقتی همه بازیگران مجبور باشند زیر یک قانون شفاف بازی کنند، کسی نمی‌تواند با تخلف و دور زدن قانون، قیمت‌شکنی کند یا سهم بیشتری از بازار بگیرد. در نهایت، مشتری سود می‌برد چون می‌داند طلایی که می‌خرد، واقعاً وجود دارد، کالایی که سفارش می‌دهد، از زنجیره رسمی تأمین شده، پولی که در کیف‌پولش ذخیره است، واقعاً در حساب بانکی معتبر نگهداری می‌شود. این مسیر البته به صبر و همکاری همه نیاز دارد. حاکمیت باید زیرساخت‌های حقوقی و فنی را به‌روزرسانی کند، اتحادیه‌های صنفی باید آموزش دهند، رسانه‌ها باید هوشیارانه آگاهی‌بخشی کنند و خود مردم هم باید مسئولیت‌پذیر باشند. در نهایت، یک حقیقت ساده وجود دارد: اقتصاد دیجیتال فقط یک ابزار است، ابزار پیشرفت یا ابزار آسیب، بسته به اینکه چقدر مسئولانه و دقیق از آن مراقبت کنیم.

گزارش

هادی اسماعیلی

گام جدید بانک مرکزی برای ساماندهی معاملات برخط طلا

فروش برخط طلا قاعده‌مند می‌شود

بانک مرکزی برای بازگشایی درگاه‌های پرداخت سکوهای برخط فروش طلا ۵ شرط الزامی تعیین کرده است تا شفافیت مالی، ذخیره‌سازی واقعی و امنیت معاملات طلا برای مردم تضمین شود

همه‌چیز از بی‌اعتمادی شروع شد؛ درست همان‌جایی که مردم برای خرید و فروش طلای برخط (آنلاین) به گوشی‌های‌شان پناه بردند، اما از پشت پرده سکوها خبر نداشتند. درگاه‌های پرداخت باز بود، اما طلا بعضاً پشتوانه نداشت. پول از کیف‌پول مجازی به‌سرعت جابه‌جا می‌شد، اما گاهی طلایی در کار نبود که در خزانه‌ای براق بماند، همین کافی بود تا پای نهادهای ناظر به میان بیاید. حالا بانک مرکزی در همکاری با دادستانی، پلیس فتا، پلیس امنیت اقتصادی و بانک کارگشایی، دست به‌کار شده تا نظم جدیدی را به این بازار پرهیاهو بیاورد. این بانک پنج شرط روشن گذاشته که تک‌تک‌شان برای اطمینان خاطر مردمی است که طلای خود را در بستر برخط می‌خرند و می‌فروشند. باز شدن دوباره درگاه‌ها منوط به تعهد سکوهاست: ذخیره واقعی، شفافیت در ثبت معاملات، اتصال کیف‌پول به بانک عامل، تسویه بموقع و تأییدیه امنیتی. این داستانی است از بازگرداندن اعتماد با ابزاری قانونی.

طلا، فلزی کهن که از دیرباز حافظ سرمایه و آرامش خانواده‌های ایرانی بوده، حالا در عصر تجارت دیجیتال شکل تازه‌ای به خود گرفته است. دیگر لازم نبود از صرافی‌ها و طلافروشی‌های سنتی گذر کرد، سکوهای برخط این مسیر را کوتاه و بی‌دردسر کرده بودند. مردم می‌توانستند در هر ساعتی از شبانه‌روز، یک کلیک کنند و مالک چند گرم طلا شوند، اما در پس این سادگی، واقعیتی پنهان جریان داشت؛ برخی سکوها طلای فروخته‌شده را به‌طور واقعی نگه نمی‌داشتند. موجودی طلای کاربران گاهی فقط عددی بود در کیف‌پول دیجیتال، بی‌آنکه در گوشه‌ای از خزانه بانک یا صندوقی امن ذخیره شده باشد. این یعنی اگر همه مشتریان یک‌باره طلای‌شان را می‌خواستند، سکوی مربوط در عمل چیزی برای تحویل نداشت.

همین ضعف در ذخیره‌سازی واقعی، نبود ثبت شفاف معاملات در سامانه جامع تجارت و بی‌خبری نهادهای نظارتی از جابه‌جایی میلیاردی تراکنش‌ها، جرقه مسدودیت درگاه‌های پرداخت شد. پلیس فتا و بانک مرکزی در چند مرحله هشدار دادند، اما برخی سکوها همچنان تخلف کردند. کار به‌جایی رسید که درگاه‌های پرداخت بسته شد تا معامله‌گران کوچک و بزرگ طلا در فضای آنلاین متوجه شوند اعتماد بدون پشتوانه، راهی ندارد.

۵ شرط برای باز شدن قفل درگاه‌ها

بانک مرکزی حالا همان درگاه‌هایی را که بسته، دوباره باز می‌کند، ولی مشروط. شرط‌ها ساده است، اما مهم‌ترین ویژگی‌شان، جلوگیری از تکرار همان بی‌اعتمادی گذشته است. طبق آنچه رسانه‌ای شده است، نخستین شرط، ذخیره‌سازی واقعی طلاست. هر گرم طلایی که در نرم‌افزار (اپلیکیشن) فروخته می‌شود، باید معادل واقعی داشته باشد. محل این ذخیره هم نه هر کجا، بلکه نزد بانک کارگشایی؛ بانکی که سال‌هاست در کار گروگذاری و امانتداری طلا و جواهرات است.

دومین شرط، شفافیت کیف‌پول‌هاست. خیلی‌ها تصور می‌کردند موجودی طلای‌شان در کیف‌پول درون‌برنامه‌ای به‌معنای واقعی طلاست، اما در عمل این موجودی بیشتر شبیه یک عدد در سرور بود. حالا بانک مرکزی تأکید کرده که هر کیف‌پول باید با یک بانک عامل معتبر در ارتباط باشد. موجودی دیجیتال باید با موجودی واقعی در حساب بانکی، رابطه یک‌به‌یک داشته باشد.

سومین شرط، ثبت کامل معاملات در سامانه جامع تجارت است. این سامانه مثل چشم ناظری عمل می‌کند که ورود و خروج هر گرم طلا را رصد می‌کند. دیگر معامله‌ای بدون ثبت و ردپای دیجیتال انجام نخواهد شد.

چهارمین شرط، تسویه تعهدات ریالی است. کاربران پول می‌دهند، انتظار دارند اگر طلای‌شان را فروختند، پول نقد بموقع به‌دست‌شان برسد. بانک مرکزی گفته است: نهایتاً ۴۸ ساعت. نه بیشتر.

و پنجمین شرط هم گرفتن تأییدیه امنیتی از پلیس فتاست؛ پلیسی که خط مقدم مقابله با جرائم سایبری است.

از دل بحران، فرصتی جدید برای اعتمادسازی

کارشناسان می‌گویند این تجربه اگرچه برای برخی سکوها گران تمام شد، اما برای کل بازار برخط طلا یک فرصت تاریخی است. مردمی که با تردید به خرید طلا در فضای مجازی نگاه می‌کردند، حالا دست‌کم مطمئنند نهادهای ناظر حواس‌شان به همه چیز است. بانک کارگشایی که حالا مرکز ذخیره طلا معرفی شده است، با سابقه طولانی در امانتداری طلا، می‌تواند ضمانت اجرایی خوبی برای حفظ دارایی مردم باشد. اتصال کیف‌پول‌ها به بانک عامل نیز هرگونه دستکاری عددی یا انتقال غیرقانونی را دشوار می‌کند. ثبت معاملات در سامانه جامع تجارت، فرصتی برای دولت است تا مالیات‌گیری دقیق‌تر و مدیریت بهتر بازار طلا را پیش ببرد. شاید شفافیت در خرید و فروش طلا گام بعدی در مبارزه با سوداگری و فرار مالیاتی باشد.

چالش‌ها و پرسش‌های پیش‌رو

با همه این تدابیر، سؤالاتی بی‌پاسخ نمانده است. آیا همه سکوها توان مالی و فنی اجرای این شروط را دارند؟ آیا بانک کارگشایی ظرفیت کافی برای ذخیره‌سازی حجم گسترده طلا را خواهد داشت؟ و مهم‌تر از همه، آیا مردم دوباره اعتماد خواهند کرد؟ برای بسیاری از مشتریان خرد که خریدشان به‌اندازه چند گرم بیشتر نیست، ضمانت ذخیره‌سازی واقعی شاید معنای چندانی نداشته باشد، اما در ابعاد کلان، همین چند گرم‌ها وقتی جمع می‌شود، ارقام بزرگی را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، هزینه‌های جدید مانند کارمزد ذخیره‌سازی یا تسویه سریع، ممکن است باعث افزایش جزئی قیمت نهایی طلا شود. آیا بازار ظرفیت پذیرش این هزینه‌ها را دارد؟

گامی به‌سوی بازار طلای دیجیتال امن‌تر

کارشناسان اعتقاد دارند این اتفاق می‌تواند مقدمه شکل‌گیری بازار رسمی‌تر طلا در بستر دیجیتال باشد. اگر شروط بانک مرکزی با دقت اجرا شود و نهادهای ناظر با جدیت پای کار بمانند، شاید در آینده نزدیک بازار طلای برخط ایران شبیه بورس کالا یا بورس فلزات، چارچوب‌مند و شفاف باشد. در این میان، اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی و پلیس فتا مسئولیت بزرگی دارند. اتحادیه باید مانع فعالیت سکوهایی شود که استانداردها را رعایت نمی‌کنند و پلیس فتا همچنان خط مقدم کشف تخلفات سایبری باقی خواهد ماند.

مسیر اعتمادسازی ادامه دارد

بانک مرکزی می‌گوید این پایان ماجرا نیست. نامه رسمی به وزارت صمت فقط آغاز یک مسیر است. در آینده نزدیک، گزارش‌های نظارتی دوره‌ای منتشر خواهد شد و اگر سکویی از چارچوب تخطی کند، دوباره مشمول مسدودیت درگاه خواهد شد. شاید همین سیاست، مهم‌ترین پیام را به کاربران بدهد؛ حفاظت از دارایی‌های مردم شوخی‌بردار نیست.

طلای برخط اگرچه راحت و سریع است، اما بدون پشتوانه واقعی می‌تواند به کلاهبرداری‌های بزرگ ختم شود. پنج شرط جدید بانک مرکزی مسیری است برای اینکه مردم بدانند طلای‌شان جایی امن ذخیره شده و هر معامله‌ای زیر ذره‌بین قانون انجام می‌شود

خودرو

وعده‌های تحویل خودروی شرکت «فردا موتور» در هاله‌ای از ابهام

سال‌هاست قصه پیش‌فروش خودرو در ایران، روی دیگر همان داستان قدیمی بی‌اعتمادی و وعده‌های ناتمام است. این‌بار پای «فردا موتور» در میان است؛ شرکتی که با تکیه بر برند دانگ‌فنگ و سابقه واردات خودرو، جمع زیادی از مردم را پای قراردادهای اقساطی و تحویل ۱۲۰روزه نشاند، اما بسیاری از خریداران هنوز پس از ماه‌ها، پشت درِ نمایندگی‌ها منتظر تحویل خودرویی هستند که شاید اصلاً در انبار دیگری فروخته شده باشد. مشتریان شرکت فردا موتور می‌گویند باوجود تولید روزانه خودرو و وجود سایت فعال در سمنان، تحویل خودروها با تأخیرهای طولانی و وعده‌های چندباره انجام می‌شود و وزارت صمت نیز باید در این روند پاسخگو باشد.

شرکت فردا موتور، وابسته به خانواده‌ای شناخته‌شده در صنایع غذایی کشور، حدود یک دهه پیش با همکاری ایران‌خودرو وارد صنعت مونتاژ و تولید خودرو شد. این شرکت ابتدا مونتاژ محصولات ام‌جی را دنبال کرد و سپس سراغ تولید محصولات دانگ‌فنگ چین رفت؛ محصولاتی که با نام‌های تی‌فایو، اس‌ایکس‌فایو و اس ۵۱۱ شناخته می‌شوند. استقبال اولیه مردم از این خودروها، عمدتاً به دلیل شاسی‌بلند بودن و قیمت رقابتی‌شان چشمگیر بود، اما درست از همان آغاز، تأخیر در تحویل، تعهدات نیمه‌کاره و شایعات نقدفروشی خودروها از سوی برخی نمایندگی‌ها شروع شد؛ مسیری که حالا مشتریان خشمگین، آن را در گروه‌های مجازی و کامنت‌سایت‌های خبری روایت می‌کنند.

به گفته برخی مشتریان به «جوان»، شرکت از دی‌ماه ۱۴۰۲ دیگر فروش جدی نداشته و مدعی است سایت تولید لرستان در جریان حملات جنگی اخیر، به‌طور کامل تخریب شده است، با این حال خریداران می‌گویند سایت سمنان همچنان فعال است و بر اساس آمار تقریبی، روزانه ۳۰ دستگاه خودرو در این مجموعه تولید می‌شود. با این حساب، حداقل باید بخش عمده تعهدات معوق از برج ۱۰ پارسال تا امروز تحویل شده باشد، اما واقعیت میدان چیز دیگری است؛ مشتریان می‌گویند نه‌تنها تحویل‌ها به‌شدت عقب افتاده، بلکه شرکت با بخشنامه‌ای جدید تلاش کرده خودروهای ثبت‌نامی قدیم را با محصولات جایگزین تحویل دهد، آن‌هم با شرایط زمانی جدید و مبهم. طبق این بخشنامه، متقاضیان می‌توانند بین مدل‌های ام‌جی فایو، تی‌فایو پلاس یا اس ۵۱۱ یکی را انتخاب کنند، با وعده تحویل ۲۵ تا ۹۰ روز کاری، اما بسیاری تجربه کرده‌اند که این «روز کاری»ها در عمل به ماه‌های طولانی بدل می‌شوند.

یکی از خریداران به «جوان» می‌گوید: «من مهر ۱۴۰۳ ثبت‌نام کردم با وعده تحویل ۱۲۰ روز کاری. همان موقع گفتند شش ماهه تحویل می‌شود. الان ۱۰ ماه گذشته و هنوز هیچ خبری نیست. همان پولی که آن زمان دادم، اگر در خودروساز دیگری سرمایه‌گذاری می‌کردم، الان یک خودرو تحویل گرفته بودم. ارزش پول‌مان نصف شده و حالا اگر بخواهیم همان خودرو را دوباره بخریم باید دو برابر پول بدهیم.» نکته مهم این است که برخی خریداران بر این باورند که شرکت خودروهای تولیدی را به‌جای ایفای تعهدات قدیم، به بازار آزاد می‌فرستد یا از طریق برخی نمایندگی‌ها با نرخ‌های بالاتر نقدفروشی می‌کند. همین ابهام، خشم و اعتراضات خریداران را دوچندان کرده است.

از سوی دیگر، شرکت فردا موتور در رسانه‌ها و در گفت‌وگو با خبرگزاری‌های رسمی، علت تأخیرها را مشکلات تأمین قطعه، تحریم‌ها و حالا تخریب سایت لرستان عنوان کرده است، اما مشتریان معتقدند وزارت صنعت، معدن و تجارت باید نقش جدی‌تری در این بحران ایفا کند؛ هم برای کمک به بازسازی سریع خطوط تولید آسیب‌دیده، هم برای نظارت جدی‌تر بر مسیر تحویل و جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان. در این میان، بسیاری از مشتریان بر این باورند که خبررسانی و پیگیری رسانه‌ای مستمر، تنها راه اعمال فشار به خودروسازان و واداشتن نهادهای نظارتی به پاسخگویی است. یکی از مشتریان در این‌باره به «جوان» می‌گوید: «امیدواریم رسانه‌ها این پرونده را رها نکنند. فقط با یک خبر کوتاه کار درست نمی‌شود. باید مدام پیگیری کرد تا مسئولان بفهمند پول مردم بازیچه نیست.» برخی دیگر هم تأکید می‌کنند که حمایت از تولید داخلی نباید بهانه‌ای برای چشم‌پوشی از نقض حقوق خریداران باشد؛ مردمی که برخی از آنها برای ثبت‌نام خودرو، ماشین زیر پای خود را فروخته‌اند و حالا ماه‌هاست بی‌وسیله مانده‌اند و حتی توان خرید یک پراید دست‌دوم را هم ندارند.

جمع‌بندی

در شرایطی که تورم افسارگسیخته ارزش پول مردم را روزبه‌روز می‌بلعد، بلاتکلیفی در تحویل خودروهایی که ماه‌ها پیش پول‌شان پرداخت شده، فشار مضاعفی است که نیاز به رسیدگی فوری دارد. وزارت صمت، سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده و نهادهای نظارتی، باید برای حل این گره، نه در موضع پشتیبان تولیدکننده بلکه در مقام داور و حامی مصرف‌کننده عمل کنند تا شاید در این بازار آشفته، اندکی اعتماد دوباره زنده شود.

بیکاری کمتر شد اما دغدغه‌ها نه!

در تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران از وضعیت بازار کار، خبرهای امیدوارکننده‌ای از کاهش نرخ بیکاری به گوش می‌رسد، اما این همه ماجرا نیست. براساس نتایج رسمی، در بهار ۱۴۰۴ نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کشور ۷/۳درصد بوده است. این یعنی از هر ۱۰۰ نفر که به طور فعال در جست‌وجوی کار هستند یا شاغلند، حدود ۷ نفر هنوز شغلی پیدا نکرده‌اند. این عدد نسبت به بهار سال گذشته (۱۴۰۳) حدود ۰/۴درصد کمتر شده که می‌تواند نشانه‌ای از بهبود نسبی اوضاع باشد.

اما همه چیز فقط به نرخ بیکاری خلاصه نمی‌شود. در کنار نرخ بیکاری، شاخص دیگری به نام «نرخ مشارکت اقتصادی» وجود دارد که نشان می‌دهد چه بخشی از جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیشتر) در جست‌وجوی کار یا مشغول به کار هستند. این نرخ در بهار امسال ۴۱/۲درصد بوده و نسبت به بهار پارسال تغییری نکرده است. به زبان ساده یعنی حدود ۴ نفر از هر ۱۰ نفر در سن کار، در بازار کار فعالند و بقیه یا درس می‌خوانند یا خانه‌دارند یا بازنشسته‌اند یا به هر دلیل دیگری دنبال شغل نیستند. بر اساس این آمار، در بهار ۱۴۰۴ جمعیت شاغلان کشور به حدود ۲۵ میلیون و ۱۲۳ هزار نفر رسیده است. این یعنی نسبت به مدت مشابه پارسال حدود ۳۷۷ هزار نفر به جمع شاغلان اضافه شده‌اند. این اتفاق می‌تواند برای خیلی‌ها خبر خوبی باشد، هرچند سرعت این رشد در مقایسه با نیازهای اقتصادی کشور همچنان پایین است. از طرف دیگر جمعیت غیر فعال اقتصادی یعنی کسانی که شغلی ندارند و دنبال کار هم نیستند، حدود ۳۸ میلیون و ۷۳۹ هزار نفر بوده که این عدد هم در مقایسه با بهار پارسال حدود ۵۱۰ هزار نفر بیشتر شده است.

خبر

نوسان اندک طلا با چاشنی امیدواری

بازارهای مالی در حالی این روزها در تلاطم خبرها و نوسانات ارزی به سر می‌برند که طلای ۱۸عیار در مسیر قیمتی خودنشان‌داده هنوز هم یکی از مطمئن‌ترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری برای خانوارهاست، هرچند آمارها حاکی از افتی جزئی در نرخ روزانه آن است.

روز شنبه قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار حدود ۶۹ میلیون و ۶۸۲ هزار ریال ثبت شد که نسبت به نرخ روز گذشته حدود ۱/۲۵درصد کاهش داشته است. بالاترین نرخ روزانه تا لحظه ثبت این گزارش ۷۰ میلیون و ۶۵۶ هزار ریال و پایین‌ترین سطح ثبت‌شده ۶۹ میلیون و ۳۴۷ هزار ریال بوده است، این یعنی طلا در یک دامنه محدود نوسان کرده و هنوز خریداران و فروشندگان در حال ارزیابی شرایط هستند. این در حالی است که نرخ بازگشایی بازار هم با همان سطح بالاتر یعنی ۷۰ میلیون و ۶۵۶ هزار ریال شروع شده بود، اما روند معاملات در نیمه روز، طلا را اندکی پایین کشیده است. بخشی از این کاهش به دلیل افت جزئی نرخ ارز در بازار آزاد و بخشی دیگر ناشی از احتیاط سرمایه‌گذاران برای ورود مجدد نقدینگی به بازار طلاست. نگاهی به عملکرد طلا در بازه‌های بلندمدت نشان می‌دهد با وجود نوسانات کوتاه‌مدت، این فلز گرانبها در میان‌مدت و بلندمدت همچنان سودآور باقی مانده است. آمارها نشان می‌دهد در بازه یک هفته‌ای طلای ۱۸ عیار حدود ۶/۳درصد رشد داشته است. بازدهی یک ماهه آن ۲/۸درصد و در شش ماه اخیر نزدیک به ۳۲ درصد افزایش قیمت ثبت شده است.

نوبت اول

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران - مدیریت بازرگانی
موضوع مناقصه: خرید تعداد ۶۵ عدد پالسر و ۶۵ عدد کانتر میتر طی تقاضای شماره DVD-01258-TR
تاریخ، مهلت، نشانی محل دریافت وتحویل استعلام کیفی مناقصه گران: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی خرید تعداد ۶۵ عدد پالسر و ۶۵ عدد کانتر میتر را به شماره نیاز ۲۰۰۴۰۹۲۹۳۵۰۰۰۰۳۰ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و ازبین تامین کنندگان کالا (تولیدکنندگان /فروشندگان) برگزار نماید و کلیه مراحل برگزاری فراخوان عمومی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه الزاماً از طریق درگاه سامانه مذکور به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد. تاریخ انتشار فراخوان درسامانه تاریخ ۱۴۰۴/۴/۲۲ می باشد.
اطلاعات واسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی وارسال دعوتنامه به آدرس سامانه ستادبرای مناقصه گران ارسال خواهدشد.
مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: روزیکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۴/۲۹
مهلت ارسال مدارک ارزیابی کیفی: روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۵/۱۲
آدرس: تهران - خیابان ایرانشهرشمالی - روبروی پارک هنرمندان - جنب خیابان برادران شاداب - پلاک ۱ - طبقه دوازدهم اداره خریدهای داخلی - شماره تماس ۸۸۲۳۷۰۸۵ - ۸۴۱۲۱۸۳۵ مبلغ معامله برای مناقصه یادشده ۲۹۰،۱۶۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بر آورد شده است.
تضمین شرکت در فر آیند رجاع کار: مبلغ ۱۴،۵۰۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال می باشد، که بر اساس آئین نامه تضمین در معاملات دولتی قابل ارائه می باشد.
ضمناً آگهی درسامانه های MONAGHESE.NIOPDC.IR ، همچنین سایت HTTP..//IETS.MPORG.IR صرفاً جهت اطلاع قابل رویت می باشد.
اطلاعات تماس سامانه ستاد: مرکز تماس ۰۲۱۱۴۵۶ دفتر ثبت نام ۸۵۱۹۳۷۶۸ - ۸۸۹۶۹۷۳۷
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۱۱۶
روابط عمومی
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران